

طبقه‌بندی قتل‌ها

بخش عمده‌ای از قتل‌ها مربوط به نزاع‌های خیابانی است که معمولا با سلاح سرد صورت می‌گیرد که خوشبختانه مسیر آن طی یک‌سال گذشته نزولی بوده است. نوع دوم قتل‌هایی با انگیزه‌های انتقامی است، مانند خواستگاری‌های ناکام که متهم در جوانی و ناپختگی دست به جنایت‌هایی مانند اسیدپاشی می‌زند. در کشور ما انگیزه‌های ناموسی هم یکی از مهم‌ترین علل قتل‌ها است.

در این طبقه‌بندی بخش دیگری از جنایت‌ها مرتبط با اختلافات مالی است که بیشتر آن مربوط به تسویه‌حساب‌هایی است که معمولا فرد نمی‌تواند با توسل به قانون به مال خود برسد مانند قتل‌هایی که بر سر معامله عتیقه یا قاچاق مواد مخدر صورت می‌گیرد. و در آخر بخش عمده‌ای از جنایت‌ها که در کشورمان به‌وقوع می‌پیوندد و بسیار هولناک و دردناک است و در سال‌های اخیر نیز رشد بالایی داشته جنایت‌های خانوادگی اعم از همسرکشی، فرزندکشی و والدین‌کشی است که می‌توانم به جرات بگویم در تهران ماهانه ۱۰ جنایت خانوادگی به وقوع می‌پیوندد که باعث تأسف است.

نقص قانونی کجاست؟

نقص قانونی همیشه و در همه جای دنیا بوده و هست چون جامعه پویاست. اما آنچه مهم است این است که این نواقض در دنیا به سرعت و در فاصله زمانی بین یک تا سه سال شناسایی و تغییرات لازم اعمال می‌شود اما متأسفانه در ایران شناسایی این نواقض از هشت تا ۱۵ سال طول می‌کشد. این خلأ قانونی در مدت هشت تا ۱۵ سال مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند و موجب تضییع حقوق بسیاری از افراد می‌شود.

علت طولانی شدن این تغییرات این است که بسیاری از قوانین ما مبنای شرعی و فقهی دارد و تغییرات در آن به راحتی ممکن نیست. از طرفی هم عمل کردن به آن به‌خاطر تعارضاتی که اجرای آن در جوامع بین‌المللی در پی دارد ممکن نیست مانند حکم رجم که قاضی به رجم حکم می‌دهد اما به‌خاطر ملاحظات بین‌المللی حکم اعدام با طناب دار اجرا می‌شود و به همین خاطر تغییر آنها در قانون زمان زیادی نیاز دارد.

تأثیر فرهنگ خانوادگی بر عملکرد مجرمان

قطعا فرهنگ در مسیر جرائم به‌ویژه جرائم جنایی موثر است، اما هرگز صددرصد نیست. چون در مدت ۲۰ سال تجربه کاری‌ام با قاتلی که پزشک، مهندس و استاد دانشگاه بوده هم روبه‌رو شده‌ام؛ قاتلانی که از یک خانواده مرفه بوده‌اند یا فقیر. با این نظر که حتما فرزند طلاق یک جانی می‌شود یا نوجوانی که پدر و مادرش را به هر دلیل از دست داده بیشتر از دیگران به سمت جرم می‌رود به‌شدت مخالفم. نباید در رسانه‌هایی مثل تلویزیون به افراد القا شود که چنین افرادی در بزرگسالی حتما به سمت جرم می‌روند. این القا تبعات بدی برای جامعه آینده دارد.

زندان‌زدایی برای درآمدزایی است



غلامحسین طباطبائی
حقوقدان

سیاست زندان‌زدایی قوه قضائیه که مدتی است مطرح شده و این قوه کم و بیش به آن عمل می‌کند، ممکن است آثار سونوی از خود برجا بگذارد. قاضی باید تابع قانون باشد، نه سیاست. یعنی باید این طرح به مجلس برود و در صورت تصویب اجرا شود. در غیر این صورت تشخیص قاضی در ارتکاب جرم محکومان سلیقه‌ای خواهد شد، نه قانونی. به نظر می‌رسد سیاستی که قوه مقننه در جهت زندان‌زدایی در پیش گرفته است بیشتر جنبه اقتصادی دارد.

گفت‌وگوی فرهیختگان با قاضی حسین اصغرزاده

بارها سر صحنه قتل گریه کرده‌ام

هرگز موقع نوشتن حکم قصاص دستم نلرزیده است

فروغ طباطبایی

F.tabatabaee@fdn.ir

۲۰ سال سابقه کار دارم و می‌گویم در این مدت بیش از دو هزار جنازه را دیده‌ و با دستانتان لمس کرده است؛ جنازه افرادی که به طرز فجیعی به قتل رسیده‌اند، به آتش کشیده شده یا منگنه شده‌اند. او که رازهای پنهان هزاران پرونده را بر ملا کرده و به گفته بسیاری از مجرمان در فهرست اعدام، جدی و خشن است، می‌گوید، آدمی احساساتی است و بارها در صحنه بازسازی جرم گریسته است. حسین اصغرزاده که سمت‌های بازپرس ویژه قتل تهران، بازپرس ویژه جرایم خاص و قاضی دادگاه کیفری استان تهران و ریاست شورای حل اختلاف را در پرونده کاری‌اش دارد، از زندگی شخصی‌اش می‌گوید و علائق و خاطرات جنایی‌اش را بازگو می‌کند و به تشریح صحنه‌های هولناک جنایت‌هایی که با آن روبه‌رو شده، می‌پردازد، علل وقوع قتل‌ها را بیان می‌کند و به طبقه‌بندی انگیزه جنایتان می‌پردازد. این قاضی دادگستری می‌گوید: «دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی هستم و به این موضوع افتخار می‌کنم.»



کار قضایی را از کجا شروع کردید؟

کارم را از شهرستان بندر انزلی با سمت قاضی تحقیق شروع کردم. بعد به‌عنوان بازپرس جرایم خاص در زمینه قتل، سرقت‌های مسلحانه و آدم‌ربایی و مبارزه با باندهای فساد و فحشا کار کردم. حالا هم قاضی دادگاه کیفری استان تهران هستم.

بسیاری از مجرمانی که حکم اعدام‌شان از سوی شما صادر شده شما را شخصیتی جدی معرفی می‌کنند؛ به نظر خودشان احساساتی هستید یا خشن و جدی؟

دیگران باید درباره شخصیت من نظر بدهند، اما به نظر خودم فوق‌العاده احساساتی هستم، ولی در کارم جدی‌ام.

پرونده‌ای شما را ناراحت کرده است؟

همه پرونده‌ها ناراحت‌م می‌کنند. بعضی‌ها می‌گویند پس از سال‌ها کار در این زمینه همه چیز عادی می‌شود، اما این موضوع درست نیست، شیوه کار عادی می‌شود؛ ترس از دیدن جنازه، خون و استخوان‌های انسان عادی می‌شود. اما این موضوعی نیست که از نظر احساسی عادی شود. هر مقتولی برای خانواده‌اش عزیزترین است. دیدن ضجه‌های مادر، همسر و فرزند قربانیان مرا به‌شدت متأثر می‌کند.

تا حالا چند جنازه دیده‌اید؟

شاید بیش از دو هزار جنازه.

سر صحنه‌های قتل بغض هم کرده‌اید؟

بارها در صحنه‌های قتل یا بازسازی صحنه جرم زانو زده و گریه کرده‌ام.

تا حالا شده در پرونده‌ای مقتول را مقصر بدانید؟

در تعریفی که از امور جنایی داریم، اصطلاحی به نام دایره جنایت وجود دارد. در سه چهارم قتل‌ها، یعنی ۷۵ درصد آنها، مقتول خود را در دایره جنایت قرار می‌دهد که اگر از آن

عملکرد خودداری می‌کرد شاید هرگز کشته نمی‌شد. مثلا وقتی اراذل و اوباش یا هم در یک پارک برای دعوا قرار می‌گذارند و با قمه به استقبال هم می‌روند قابل پیش‌بینی است که یک نفر در آنجا کشته می‌شود. در این حالت کسی که کشته شده بی‌شک خودش هم مقصر بوده است. این حالت در اختلافات بین قاچاقچیان نیز وجود دارد یا در سرقت‌های مسلحانه. دزد مسلح وقتی بدون توجه به ایست پلیس می‌گریزد و می‌داند پلیس به او شلیک می‌کند خودش را در دایره جنایت قرار می‌دهد.

موقع نوشتن حکم قصاص چه احساسی دارید؟

هرگز موقع نوشتن حکم قصاص دستم نلرزیده و حکم را همیشه با قاطعیت نوشته‌ام. چون هر قاضی هنگامی که به انشای رای می‌پردازد باید به افئاع قضایی از باب ادله جرم رسیده باشد. اما مواقعی بود که هنگام نوشتن حکم اعدام متأثر شده باشم. موقع نوشتن حکم اعدام برای محکومان‌کی که نتوانستند در یک زمان تصمیم درست بگیرند یا رفتار درستی داشته باشند و همین مساله موجب وقوع یک جنایت آنی شده بود. گاهی اوقات هم قاتل در مقابل عکس‌العمل مقتول مرتکب جنایتی شده که عمل او شامل دفاع مشروع نبوده است. مثلا در پرونده‌ای یک پسر جوان در هواخواهی از مزاحم خواهرزهنش یک سیلی به صورت پسر مزاحم زده بود که همین سیلی موجب مرگ وی شده بود یا در پرونده‌ای دیگر یک پسر دوستش را هل داده بود که سر دوستش به جدول درخت می‌چسبید و خیابان برخورد کرده و موجب مرگ او شده بود. نوشتن حکم مرگ برای بسری چنین حکم قاتلانی سخت است.

برای کاهش جنایت‌ها چه باید کرد؟

عملکرد قوی پلیس و حضور به‌موقع در محل می‌تواند به صورت چشمگیری آمار جنایت‌ها را کاهش دهد و حلقه فعالیت را بر مجرمان تنگ کند. دادرسی عادلانه و اجرای آن نیز می‌تواند مانعی باشد برای اینکه خود افراد دست به کار شوند و انتقام‌گیری نکنند. بالا بردن سطح تحصیلات افراد جامعه، پایین آمدن سطح بیکاری، فراهم کردن شرایط ازدواج جوانان، جلوگیری از طلاق و قوی کردن نهادهای حمایتی مانند بهزیستی، جلوگیری از تورم و گرانی، ایجاد شرایط آرامش و بالا بردن امید به زندگی میان افراد جامعه، کاهش تنش‌های روانی و ارتقای فرهنگ از طریق رسانه‌های گروهی می‌تواند در آرام نگه داشتن جامعه و کاهش جنایت‌ها نقش موثری داشته باشد.

بیشتر مردها همسران‌شان را می‌کشند یا زن‌ها شوهران‌شان را؟

همسرکشی به نسبت ۵۰ سال گذشته سیر صعودی داشته اما از نظر نوع جنسیت معکوس شده است. در دو دهه قبل همسرکشی فقط شامل کشتن زنان بود. اما امروز به جرات می‌گویم شوهرکشی غالب شده است که مهم‌ترین روش‌های آن مسمومیت است یا جنایت‌هایی که به دلیل ارتباط زنان با مردان غریبه صورت می‌گیرد. در این پرونده‌ها زنان معمولا معاون هستند و عامل جنایت یک نفر دیگر است. این رشد شوهرکشی نیاز به تجزیه و تحلیل و آسیب‌شناسی دارد.

موسیقی هم گوش می‌کنید؟

به موسیقی‌های سنتی علاقه‌مندم و نوحه‌ها و مداحی‌ها را زیاد گوش می‌کنم و گاهی هم برای خودم زمزمه می‌کنم.

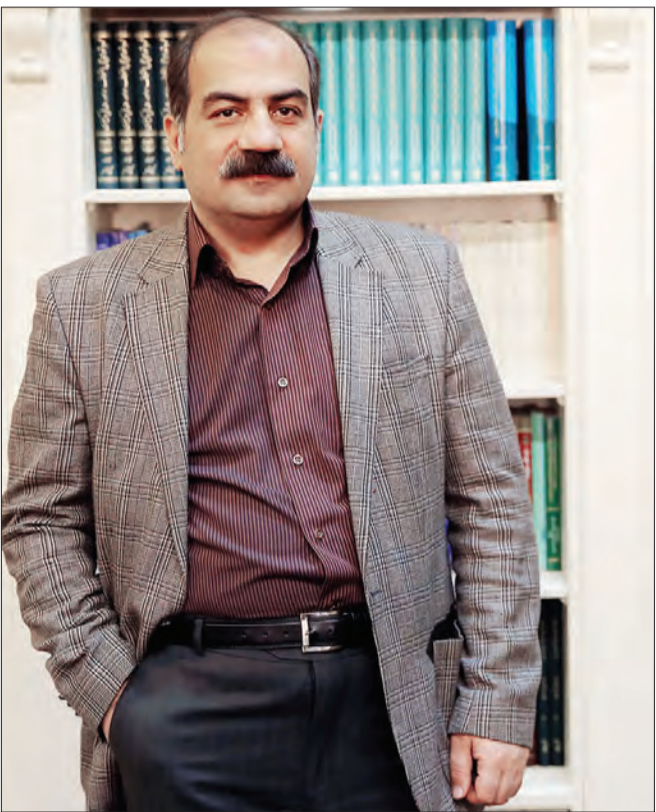
نظرتان درباره قانون مجازات اسلامی جدید چیست؟

قانون مجازات اسلامی اخیر قانون متمدنی است و تغییرات عمده‌ای در آن

موج گذشت از قصاص



فرهیختگان: آن‌گونه که دادستان کل کشور اعلام کرده است، در سال گذشته بالغ بر ۳۵۸ نفر از اولیای دم، با تالاشی که دادستان‌ها، شوراهای حل اختلاف، انجمن‌های خیریه و... انجام دادند از اجرای حکم قصاص گذشت کردند و رضایت دادند که اگر این تعداد رضایت نمی‌دادند باید ۲۵۸ نفر قصاص می‌شدند. اما خبرهای گذشت از قصاص در سال جاری حکایت از افزایش این آمار و بالا رفتن روحیه گذشت و بخشش در کشور دارد. موجی که از بیست‌وششم فروردین امسال پس از انتشار صحنه‌های تأثیر گذار گذشت از قصاص از سوی مادر مقتول در شهرستان نور ایجاد شد، هنوز هم ادامه دارد و هر هفته خبرهایی از گذشت از اجرای حکم اعدام در رسانه‌ها منتشر می‌شود.



عکس: سید وحید حسینی/فرهنگستان

اعمال شده است. مثل ماده قانونی که در آن آمده است چنانچه نوجوان زیر ۱۸ سال دست به قتل بزند و از ماهیت عمل خود بی‌اطلاع باشد از مجازات قصاص معاف خواهد شد یا مثلا در بزرگاری مراسم قسامه قبلا باید ۵۰ نفر از بستگان نسبی اولیای دم حضور داشتند، اما حالا براساس فتوای علمای روز، تغییراتی در آن اعمال شده که می‌توان قسم بستگان سببی را هم قبول کرد.

به نظر‌تان علت این عکس‌العمل مردم چیست؟

گاهی برخی افراد گمان می‌کنند فردی که در ملامع به بالای بلندی رفته و دیگران را تهدید به خودکشی می‌کند فیلم بازی می‌کند، اما باید گفت واقعا این‌طور نیست. در بسیاری از موارد که فرد قصد خودکشی در ملامع را دارد خواسته یا ناخواسته به پایین سقوط می‌کند. به نظرم برخی جوانان فقط برای تخلیه هیجانات درونی‌شان در مکانی که یک نفر قصد خودکشی دارد، جمع می‌شوند و می‌خواهند صحنه هیجان‌انگیزی ببینند. چیزی که در ایران کمتر به آن اهمیت داده می‌شود.

چرا برخی افراد بیش از اندازه دنبال هیجان هستند؟

هیجان و علاقه آن بخشی از خصلت‌های درونی انسان است اما در برخی افراد تبلور بیشتری دارد و در ۱۵ تا ۳۵ سالگی به اوج خود می‌رسد. در دنیا برای تخلیه این هیجان برنامه‌های ویژه‌ای طراحی می‌شود اما متأسفانه در ایران جایی برای تخلیه این هیجان نیست. در دنیا شهربازی‌های ایمن و مکان‌های ویژه‌ای برای و تخلیه هیجان جوانان وجود دارد، اما در ایران جوانان برای تخلیه این هیجان به ناچار دست به هر کاری می‌زنند.

نظر‌تان درباره روزنامه فرهیختگان چیست؟ مخاطب آن هستید؟

اگر این روزنامه را مطالعه نکرده بودم هیچ‌وقت با آن مصاحبه نمی‌کردم. خوشبختانه امروز، فرهنگ روزنامه‌خوانی بیشتر شده است و به لحاظ جناحی و سیاسی مردم حق انتخاب بیشتری دارند تا روزنامه‌ای را که به افکار آنها نزدیک‌تر است، مطالعه کنند. این روزنامه نیز بی‌شک از یک نهاد علمی برمی‌آید و مخاطبان آن بیشتر جوانان و دانشجویان هستند. من فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی هستم و به این مساله افتخار می‌کنم و از اینکه قرار است هم‌دانشگاهی‌های من گفت‌وگویم را بخوانند، بسیار خوشحالم.

مجازات حبس نتیجه مورد نظر را ندارد



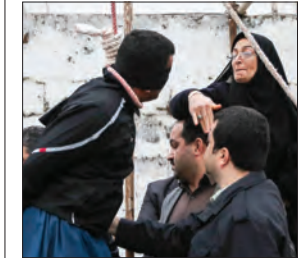
بهمن کشاورز
حقوقدان و وکیل
پایه یک دادگستری

مجازات‌های جایگزین حبس نه‌فقط جزئی از سیاست‌ها و تدابیر قوه قضائیه، بلکه قسمتی از سیاست کیفری کشور است، زیرا مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۹۲ به این موضوع اختصاص داده شده است. در این مواد راهکارها و نحوه جایگزینی مجازات‌ها و اقداماتی به جای حبس تعین و نحوه اجرا نیز پیش‌بینی شده است. در برخی موارد تعیین مجازات‌های جایگزین اختیاری و در برخی موارد اجباری است. آنچه مسلم است اجرای مجازات حبس با شرایط فعلی زندان‌ها به هیچ‌وجه نتیجه طبیعی و مورد نظر را ندارد. با وجود تدابیری از قبیل تقسیم‌بندی زندانیان بر مبنای سن و نوع اتهام و امثال آن، باز هم تردیدی در اینکه زندان محل بدمزایی است نمی‌توان داشت. از این‌رو وقتی کسانی با جرائم غیر عمدی یا جرم‌های کوچک به زندان می‌افتند اصل را

مخالف

چراکه هزینه دولت برای نگهداری زندانیان کمتر می‌شود و بعضی حبس‌ها به جزای نقدی تبدیل خواهد شد تا برای دولت درآمدزایی داشته باشد. قوه قضائیه با پیش گرفتن این سیاست در اختیارات قوه دخالت می‌کند که این غیرقانونی است. از طرفی هم باعث می‌شود میزان جرائم افزایش یابد. ائتضاح به امید تبدیل حبس به جزای نقدی راحت‌تر دست به ارتکاب جرم می‌زنند و افراد غنی بیشتر از افراد فقیر مرتکب جرم خواهند شد.

درباره اجرای طرح پایبند الکترونیک و کنترل مجرمان در خارج از زندان یا این پاینده به نظر می‌رسد این راه‌حل مناسبی برای کنترل مجرمان نیست و مانع ارتکاب جرم نخواهد شد، چراکه مجرمان هنگامی دوباره دستگیر می‌شوند که مرتکب جرم جدید شده باشند.



عبدالمحمد خورشاهی

وکیل پایه یک دادگستری

مجازات‌های جایگزین و جلوه دین و فرهنگ ما

از سال ۱۳۰۴ که اولین قانون مجازات در کشورمان وضع شد تاکنون تغییرات مستمر و زیادی در اعمال مجازات‌ها داده شده است. پس از پیروزی انقلاب قوانین حدود و قصاص و دیات و کلیات در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید.

این قانون در سال ۷۰ تجمیع شد و در سال ۷۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به قانون مجازات اضافه شد و مدت اجرای آن ۱۰ سال تعدید شد و نهایتا در سال ۹۲ قانون مجازات اسلامی جدید تصویب شد.

به گفته عامه حقوق‌دانان و وکلا و قضات، قانون مجازات ۹۲ نسبت به قوانین گذشته از انعطاف بیشتری برخوردار بود و بعضی نیز اعتقاد داشتند که مجازات جایگزین برای سنگسار در مورد محکومان زنا و لواط و الزام نسبی دادگاه‌ها به رای مجازات جایگزین اعدام برای محکومان زیر ۱۸ سال از امتیازات قانون سال ۹۲ بوده است و عده‌ای از حقوق‌دانان معتقد بودند که مجازات سنگسار از لیست مجازات‌های شرعی حذف نشده بلکه نوع اجرای آن تغییر کرده است و شرایط صدور حکم نیز تبعاً دشوارتر تر شده است. در نتیجه اعمال مجازات سنگسار که البته تعداد آن زیاد نبود و نیز باعث بازتاب‌های منفی در مجامع بین‌المللی شد، زیاست وقت قوه قضائیه آیت‌الله شاهرودی به لحاظ آنکه اجرای مجازات سنگسار و پخش تصاویر آن در مجامع مختلف باعث سوءاستفاده بهانه‌جویان و مخالفان نظام جمهوری اسلامی و مخدوش شدن چهره اسلام در جوامع بین‌المللی می‌شود، بخشنامه‌ای برای کلیه محاکم قضایی صادر و ارسال کرد که به آنها تاکید و سفارش شده بود که در صدور احکام سنگسار مراقبت جدی به عمل آید و در صورت امکان در اجرای آن اصرار نورزوند، زیرا همان‌طور که گفته شد اجرای این گونه مجازات‌ها دستاویز خوبی برای پاره‌ای مخالفان نظام و در نتیجه وهن احکام شرعی شده بود.

در ارتباط با کیفیت اجرای احکام شرعی با امکان تغییرات آن استفاده‌ای از فقها و آیات عظام به عمل آمد؛ عده‌ای اعلام کردند احکام الهی تغییر‌ناپذیر است و کیفیت اجرای آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد. تعدادی از آیات عظام نبوت هم بر این عقیده‌اند که نبوت زنا‌ی محصنه بسیار دشوار و منوط به حصول شرایط خاصی است که غالبا امکان‌ناپذیر نیست، یعنی برای اثبات زنا‌ی محصنه لازم است که چهار نفر با چشمان خود دیده باشند که مردی بیگانه با زنی همبستر شده و مشغول زناست که این موضوع معمولا اتفاق نمی‌افتد.

پاره‌ای از فقها نیز گفته‌اند که اگر حاکم شرع تشخیص دهد که اجرای این حکم یعنی سنگسار و قطع ید و موارد مشابه موجب وهن اسلام و بی‌احترامی به آن می‌شود و موجب ضرر به اصل دین می‌شود می‌تواند آن را تغییر دهد.

اگر چه مخالفان سنگسار گفته‌اند که در قرآن اشاره‌ای به سنگسار نشده است، اما غالب این فقها بر این باورند که حکم سنگسار در فقه اسلام ثابت است؛ حتی اگر به‌طور صریح در قرآن نیز ذکر نشده باشد و اصل حکم تغییر‌ناپذیر است. بنابراین با توجه به موارد مذکور و اینکه مجازات رجم قابل تغییر نیست، ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی به این شرح تصویب شد: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است» در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد داد‌گاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بیته ثابت شده باشد موجب اعدام محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب ۱۰۰ ضربه شلاق برای هر یک از طرفین است. بنابراین همان‌طور که گفته شد، حکم سنگسار در قانون مجازات اسلامی لغو نشده بلکه نحوه اجرای آن تغییر کرده است.

در ارتباط با مجازات‌های جایگزین احکام شرعی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ تا حدودی دست حاکمان شرع و قضات را باز گذاشته است. البته نباید فراموش کرد که یکی از اهداف مجازات اصلاح و تربیت مجرم است. فرد مجرم جزئی از آحاد جامعه است و اعمال مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که صرف‌نظر از سایر اهدافی که برای مجازات‌ها اعمال شده است امکان اصلاح و بازگشت مجرم به جامعه را فراهم کند. با اوصاف مزبور به نظر می‌رسد تغییرات انجام‌شده در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ نشانگر یک تحول نسبی در اجرای مجازات‌هاست.



موافق

باید بر این گذاشت که در پایان دوره مجازات با اموخته‌های منفی بیشتر و ذهنیتی بدتر از آنچه که قبلا داشتند به اجتماع باز خواهند گشت. اگر زندان‌ها از نظر ظرفیت و تجهیزات و امکانات آموزشی و بازسازی شخصیت چنان بودند که می‌شد به تغییر وضعیت روحی و گرایش‌های مجرمانه افراد در آنها امیدوار بود، آنگاه شاید محسوس کردن افراد می‌توانست سازنده باشد. اما در شرایط فعلی مجازات‌های جایگزین حبس حداقل این خاصیت را دارد که فرد محکوم در پایان تحمل کیفر وضعیت اخلاقی و شخصیتی بدتری از آنچه قبلا داشت، پیدا نمی‌کند. با توجه به تصویب این نامه نحوه اجرای مجازات‌های جایگزین اینک می‌توان امیدوار بود که اجرای مواد مورد اشاره به نتایج مطلوبی منجر شود. البته درباره برخی از مجرمان چاره‌ای جز اعمال مجازات حبس نیست و آن در مورد مجرمانی است که به لحاظ شخصیت ضداجتماعی یا روان‌نژندی برای جامعه خطرناک هستند و زندانی کردن آنها به‌منظور دور نگه‌داشتن آنها از اجتماع است. بدون اینکه به بازسازی و تغییر شخصیت آنها امیدوی باشد. هرچند حتی در مورد این افراد نیز احتمال چنین تغییری صفر نیست. به مثال‌هایی مانند برنده بازی الکاتراس باید توجه کرد.